

جرایم علیه سلامت عمومی از منظر فقه مقارن و حقوق جزا با تأکید بر جرم تقلب در کالاهای خوراکی

احمدرضا توکلی^۱، محمدرضا حق‌شناس^۲
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۶)

چکیده

سلامت عمومی و دسترسی به منابع مصرفی سالم، دو دغدغه مهم هر جامعه است و تقلب در کالاهای خوراکی از اموری است که این دو را به خطر می‌اندازد. تقلب در کالاهای خوراکی به معنای جایگزینی، استفاده از ترکیبات اضافی و تغییرات غیرمجاز در مواد اولیه یا در روند تولید، ارائه اطلاعات نادرست و بسته‌بندی غیرمجاز مواد غذایی است. در این نوشتار به روش کتابخانه‌ای، به بررسی جرم علیه سلامت عمومی از طریق تقلب در کالاهای خوراکی، به منظور شناخت تدابیر شارع مقدس و سیاست قانون‌گذار کشورمان در حقوق و قوانین موضوعه پرداخته می‌شود. از منظر فقه مقارن و حقوق، بحث را از چند جنبه می‌توان بررسی نمود: اول؛ اخروی و ثواب و عقاب الهی، دوم؛ فقه معاملات، سوم؛ فقه جزا در مباحث قصاص و دیات، چهارم؛ مجازاتهای تعزیری مرتکبان، پنجم؛ موضع فقه مقارن نسبت به تعزیرات حکومتی در این امور. **کلیدواژه‌ها:** سلامت عمومی، تقلب در کالاهای خوراکی، امنیت غذایی، جرم، غش، تدلیس.

طرح مسئله

اهمیت سلامت و امنیت غذایی در جهان معاصر، حقیقتی غیرقابل تردید است. قرآن کریم می‌فرماید «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس، ۲۴)؛ یعنی انسان باید به خوراک و غذایی که مصرف می‌کند، بنگرد و نسبت به آن دقت کند، به‌ویژه که اسلام به عنوان یک دین جهانی و

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد (نویسنده مسئول) / a_tavakoli@phu.iaun.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا دانشگاه شهید مطهری /
Mohammadreza.l.haghshenas@gmail.com

آخرین دین الهی، همواره به چالشهای زندگی بشر توجه و برنامه‌های مترقی و دقیقی نسبت به آن داشته است (حویزی، بی تا، ۷۴/۳).

موضوع سلامت در تغذیه و تقلب در مواد غذایی، یکی از مباحث مهم در زمینه سلامت عمومی جامعه است، چنانچه انتشار اخبار راجع به استفاده غیرمجاز برخی تولیدکنندگان کشورمان از روغن پالم در لبنیات - که مصداقی از تقلب در کالای خوراکی در سطح وسیع با جامعه هدف گسترده بود - ذهن مردم و مسئولان را به اهمیت مبارزه با جرایم علیه سلامت عمومی معطوف ساخت (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۹۳/۵/۲۸ ش).

در این تحقیق به بررسی موضوع «جرم علیه سلامت عمومی از طریق تقلب در کالای خوراکی از منظر فقه مقارن و حقوق جزا» پرداخته شده است و در این زمینه، می‌توان از منظر فقهی بحث را از جوانب مختلفی بررسی نمود: اول؛ اخروی و ثواب و عقاب الهی، دوم؛ فقه معاملات، سوم؛ فقه جزا در مباحث قصاص و دیات، چهارم؛ مجازاتهای تعزیری مرتکبان، پنجم؛ موضع فقه مقارن نسبت به تعزیرات حکومتی در این امور.

گرچه از حیث فقهی در عمده مسائل، دیدگاه هردو طرف مشابه است، ولی اولاً؛ برای تنقیح موضوع بحث و ثانیاً؛ برای تحلیل برخی جنبه‌های بحث که مورد اختلاف نظرات علمی و اجتهادی است، به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود. همچنین موضوع از جنبه حقوق جزا و قوانین موضوعه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نیز در تحقیق این موضوع، از نتایج مطالعات سایر رشته‌های مرتبط مثل رشته‌های پزشکی، علوم تغذیه و بهداشت محیط، استفاده شده است.

مفهوم‌شناسی تقلب در کالاهای خوراکی ۱. در لغت

تقلب از ریشه «قلب» و به معنای «برگرداندن شیء از حالتی به حالت دیگر است» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۶۸۵/۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ۱۷/۵). در زبان انگلیسی اصطلاح «Food Fraud» معادل تقلب در کالای خوراکی است. واژه «Fraud» برگرفته از واژه لاتین «fraus» به معنای خدعه و فریب و کار نادرست است. جالب این است که در دین روم باستان، الهه‌ای با نام «fraus» با صورت یک زن و بدن مار و دمی با نیش عقرب وجود داشته که الهه فریب و نیرنگ بوده است (Pulleyn, 1840, 227).

واژه «Fraud» در زبان انگلیسی به معنای فریب، حیله و کلاهبرداری است و به هرگونه رفتار نادرست و خلاف واقع نیز اطلاق می‌شود (Collins Sons, 2009). در اصطلاح حقوقی نیز «Fraud» به معنای فریب دادن دیگری برای کسب درآمد است (Collin, 2004, 129).

در توصیف این عنوان در حقوق آمریکا، پنج عنصر به عنوان رکن مادی آن ابراز می‌شود: ۱. اظهارات نادرست در مورد یک واقعیت خارجی ۲. علم مرتکب به عدم مطابقت با واقع ۳. تأثیر این رفتار در فریب دادن طرف مقابل ۴. اعتماد طرف مقابل بر این اظهارات نادرست ۵. حصول نتیجه (Lehman & Phelps, 2008).

۲. در اصطلاح

«تقلب در کالاهای خوراکی» در اصطلاح به معنای «جایگزینی، ترکیب اضافی یا تغییرات غیرمجاز در مواد اولیه و روند تولید، ارائه اطلاعات نادرست و بسته‌بندی غیرمجاز مواد غذایی» است. تقلب در مواد غذایی، یک اقدام عمدی برای کسب منافع اقتصادی است و اغلب به تولید محصولات غذایی تقلبی منجر می‌شود، بنابراین در واقع مسئله‌ای مرتبط با صنایع غذایی است (Spink & Douglas, 2011, 1).

قانون مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مشتمل بر ۱۸ ماده و ۶ تبصره در روز ۱۳۴۶/۵/۲۲ش به تصویب مجلس رسید و در ۱۳۵۳/۱۲/۱۸ش اصلاحاتی در آن واقع شد. در حال حاضر، همین قانون در رابطه با واحدهای تولیدی غذایی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی اجرا می‌شود.

ماده اول این قانون با بیان مصادیق، به تعریف تقلب در این امور می‌پردازد:

۱. عرضه یا فروش جنسی به جای جنس دیگر ۲. مخلوط کردن مواد خارجی با جنس، به منظور سوءاستفاده ۳. عدم رعایت استاندارد یا فرمول ثبت شده در مواردی که تعیین فرمول و رعایت آن همچنین تعیین استاندارد و رعایت آن الزامی باشد ۴. فروش و عرضه جنس فاسد و یا فروش و عرضه جنسی که موعد مصرف آن گذشته باشد ۵. به‌کار بردن رنگها و اسانسها و سایر مواد اضافی غیرمجاز در مواد خوردنی یا آشامیدنی یا بهداشتی و یا لوازم بازی کودکان ۶. ساختن مواد تقلبی خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی (الحاقی در اصلاحیه قانون در ۱۳۵۳/۱۲/۱۸ش).

جمع‌بندی مطلب این است که مفهوم تقلب در مواد خوراکی، گاهی ناظر به «تقلب در مرحله تولید غذا» است، مانند اینکه در تولید غذاهای صنعتی به‌جای استفاده از گوشت، از پروتئینهای مصنوعی استفاده شود و گاهی ناظر به «تقلب در مرحله عرضه غذا» است، مانند ارائه غذایی با برند جعلی (Eugene, 2010, 1).

جایگاه سلامت غذایی در اندیشه اسلام

سلامت از ماده سلم به معنای «پاک و بری بودن از آفات و بلیات» است (فیومی، ۱۴۱۴ق)، البته عوامل سلامت در اندیشه اسلامی، متعدد هستند، از عواملی که سلامت اجتماعی و

روانی را به دنبال دارد، چنانچه از امیرالمؤمنین(ع) نقل است که «السکوت سلامه» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ۲۱۸)؛ یعنی زبان از سخن نگاه داشتن در مواقع نامناسب، راهی برای حفظ امنیت و سلامت است.

دین اسلام به موازات اهتمامی که به سلامت معنوی و روانی انسان دارد و آن را در سعادت او حائز اهمیت می‌داند، همین‌طور هم بر سلامت جسمانی و بهداشت در جنبه‌های مختلف زندگی به‌ویژه در امر تغذیه تأکید دارد، چنانچه قرآن کریم بارها بر این مهم اصرار ورزیده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» (بقره، ۷۲) و رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «تَتَّظَفُوا بِكُلِّ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (نهج الفصاحه، ح ۱۱۸۲) و امیرالمؤمنین(ع) فرموده است: «الْصَّحَّةُ أَفْضَلُ النَّعْمِ» (آمدی، ۱۴۱۳ق، ح ۱۰۵۰). همچنین از ابن مسعود از پیامبر اکرم(ص) روایت شده است که فرمود: «... النظافة تدعو إلى الإيمان و الإيمان مع صاحبه فى الجنة» (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ۷۵۰۵/۵).

بنابراین، اگر کسی سلامت غذایی جامعه را به خطر اندازد، مورد اعتراض اسلام قرار می‌گیرد، چنانچه از امام رضا(ع) نقل است: «خداوند تبارک و تعالی، هیچ خوردنی و نوشیدنی را حلال نکرده است، مگر آنکه در آن منفعت و صلاحی بوده و هیچ خوردنی و نوشیدنی را حرام ننموده، مگر آنکه در آن زیان و مرگ و فسادى بوده است...» (نوری، ۱۴۰۸ق، ۳۳۳/۱۶). همچنین آن حضرت سلامت تغذیه را ضامن سلامت بدن دانسته است، چنان‌که در رساله طب منسوب به امام رضا(ع)، معروف به رساله زهیه آمده است: «به‌درستی که صلاح بدن و پایداری آن، به خوراکی و نوشیدنی است که مصرف می‌کند و فسادش نیز بدانها است» (امیرصادقی، ۱۳۸۱ش، ۱۸۶).

اهمیت سلامت غذایی در جهان معاصر

امروزه در شرایطی زندگی می‌کنیم که در موضوع سلامت عمومی در عرصه غذایی با چهار دغدغه اساسی مواجه هستیم که از آن به «چتر امنیت غذایی»^۳ تعبیر می‌شود: کیفیت غذا،^۴ سلامت غذا،^۵ امنیت غذایی،^۶ و تقلب در غذا^۷ (Spink, 2011, 9).

اصطلاح امنیت غذایی به معنای «دسترسی خانوار به غذای مناسب و کافی در هر زمان»^۸ (maxwell & Smith, 1993, 4-6). اما باید توجه داشت یکی از مشکلات عمده و جدی در عرصه غذا، تقلب در کالاهای خوراکی است. تقلب در کالاهای خوراکی پدیده‌ای نوظهور

³ Food Protection Umbrella

⁴ Food Quality

⁵ Food Safety

⁶ Food security

⁷ Food fraud

⁸ household food security

نیست، بلکه از دیرباز افراد سودجو به قصد دستیابی به سودهای کلان، سلامت مردمان را به خطر انداخته و ایشان را با مشکلات مختلفی در این عرصه مواجه می‌ساخته‌اند، به طوری که در روم باستان نیز گاهی سودجویان بر خمره‌های روغن زیتون و مشروب مهر و موم تقلبی می‌زدند، تا نشانگر اصالت آن باشد. امروزه نیز تقلب در مواد غذایی با حقیقت و اهدافی مشابه لیکن در سطحی وسیع‌تر و روشهایی پیچیده‌تر وجود دارد. در ادبیات علمی معاصر، چنین رفتارهایی را اصطلاحاً «به مخاطره انداختن سلامت عمومی»^۹ می‌نامند (Spink & Douglas, 2011, 158).

تحلیلی از داده‌های آماری در مورد تقلب در کالاهای خوراکی

برای درک اهمیت موضوع تقلب در کالاهای خوراکی و روشن شدن میزان گستردگی این رفتار در سطح عمومی، به ارائه برخی آمارها پرداخته می‌شود، بدین شکل که به نمونه‌ای از آسیبها و خطرات ناشی از عدم رعایت مقررات و استانداردها در رابطه با تولید یا عرضه کالای خوراکی اشاره می‌گردد. البته پیشاپیش می‌دانیم که در کشور ما دسترسی به آمارهای کیفی رسمی برای پژوهشگران دشوار است، بنابراین در این تحقیق نمی‌توان آمارهای جامع و گسترده ارائه داد.

۱. آلودگی ۶۸ درصدی پنیر محلی به باکتری

در یک تحقیق میدانی در سال ۱۳۸۴ش توسط دانشگاه علوم پزشکی تبریز، میزان آلودگی پنیرهای محلی به باکتری «استافیلوکوکوس اورئوس» که یکی از عوامل مهم مسمومیت غذایی در پنیر است، بررسی شد و مشخص شد از ۹۵ نمونه بررسی شده، ۶۸ درصد آنها آلوده به این باکتری بوده‌اند، در حالی که رعایت مقررات بهداشتی توسط تولیدکنندگان در مرحله فراوری می‌تواند از وجود این آلودگی جلوگیری نماید (نیک‌نیا، و دیگران، ۱۳۹۲ش). این نمونه‌ای از تقلب در مرحله تولید و فراوری است.

۲. آلودگی ۶۷ درصدی بستنی سنتی به باکتری

در تحقیقی در سال ۱۳۸۳ش توسط پژوهشگران دانشکده علوم پزشکی گناباد بر بستنیهای سنتی شهر مشهد، مشخص شد از مجموع ۱۰۰ نمونه بررسی شده، ۶۷ درصد آنها آلوده به باکتری «استافیلوکوکوس آروئوس» هستند. این باکتری می‌تواند در برخی موارد موجب بروز عفونتهای پوستی شود، در حالی که پاستوریزاسیون مواد اولیه توسط تولیدکننده با اعمال حرارت کافی بر مواد اولیه از وجود این آلودگی جلوگیری می‌نماید (مختاریان دلویی و دیگران، ۱۳۸۳ش). این نمونه‌ای از تقلب در مرحله تولید و فراوری در اثر عدم رعایت استانداردهای فنی است.

^۹ public health hazards, Public health risks

این در حالی است که در سال ۱۹۹۹م در تحقیقی با عنوان «مخاطرات سلامت عمومی در فراورده‌های لبنی غیرپاستوریزه»، از ۱۲۴۶ نمونه بستنی در انگلستان، ۲۶ درصد نمونه‌ها به باکتریهای غیرمجاز آلوده بوده‌اند (Little & Louvois, 1999, 403-408).

۳. میزان آلودگی بر اثر نگهداری و عرضه غیراستاندارد

در قانون مواد خوراکی ۱۳۴۶/۵/۲۲ش یکی از مصادیق تقلب در کالای خوراکی، بسته‌بندی و نگهداری نادرست است که می‌تواند خطراتی برای سلامت عمومی داشته باشد. شاهد این مطلب تحقیقی در سال ۱۳۹۰ش است که ۳۶ نمونه یخ تولیدی از چهار کارخانه یخ‌سازی را در شهر ارومیه مورد بررسی قرار داده است. براساس این تحقیق میدانی، هشت درصد از نمونه‌ها آلوده به باکتری «کلیفرم گرمایای» بوده‌اند که به گزارش پژوهشگران، نگهداری نامناسب علاوه بر مصرف از آب آلوده، موجب این آلودگی شده است. این نمونه‌ای از تقلب بر اثر استفاده از مواد اولیه ناسالم و نیز عدم رعایت استانداردهای نگهداری کالای خوراکی است (کریم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲ش).

نمونه دیگر آسیب ناشی از بسته‌بندیهای نامناسب مواد غذایی، «بسته‌بندی مواد غذایی گرم در بسته‌های پلاستیکی و پلیمری» است. در علوم تغذیه اشاره می‌شود که در این موارد، ممکن است در اصطلاح «مهاجرت» رخ دهد؛ به این معنا که مولکولهای ریز سازنده پلاستیک و پلیمر به تدریج به درون ماده غذایی نفوذ کرده و موجب مسمویت شده یا بر عطر و طعم ماده غذایی آسیبی بعضاً ناملموس بگذارد (سجادی، ۱۳۷۳ش، ۱۳۴).

نقش برنامه نشان غذای حلال در مبارزه با تقلب در کالاهای خوراکی

دین مبین اسلام محدودیتهایی را در مورد مواد غذایی لحاظ نموده است، به‌عنوان مثال از لحاظ مواد اولیه، مصرف گوشت خوک و هر فراورده‌ای را که در آن از گوشت خوک استفاده شده باشد، حرام دانسته است (بقره، ۱۷۳) و یا از لحاظ نحوه تولید غذا، استفاده از گوشت هر حیوان حلال گوشتی را که ذبح شرعی نشده باشد، تحریم نموده است (مائده، ۳؛ نحل، ۱۱۵).

در جوامع غیراسلامی یا جوامعی که محصولات یا خوراکیهایی از کشورهای غیراسلامی وارد بازارشان می‌شود، خرید محصولات با علامت تجاری «حلال»، راهی مورد اعتماد برای تشخیص غذای حلال است (Tetty Havinga, 2011, 267).

گرچه برنامه نشان حلال در مواد غذایی، با استقبال بالایی روبه‌رو شده است، لیکن تقلب در استفاده از این نشان، خود از مصادیق تقلب در مواد غذایی بوده است. توضیح امر آنکه عمدتاً غذاهایی که نشان حلال را دارا هستند، به دلایل مختلف قیمت بالاتری نسبت به غذاهای دیگر

دارند و همین امر باعث می‌شود، برخی تولیدکنندگان یا عرضه‌کنندگان به صورت غیرمجاز از این نشان استفاده کنند.

به‌عنوان مثال در سال ۱۹۹۰م در هلند، یک زن مسلمان پاکستانی اقدام به خرید غذای پروتئینی از یک فروشگاه نمود، ولی بعداً متوجه شد که در آن غذا، از گوشت حیوانی که ذبح شرعی نشده، استفاده شده است و بنابراین اقدام به شکایت و درخواست خسارت از مدیر فروشگاه نمود. مدیر فروشگاه که مسلمانی اهل مراکش بود، از خود بدین شکل دفاع نمود که غذای او حلال است؛ زیرا نشان حلال فقط نشان‌دهنده آن است که در آن غذا از گوشت خوک استفاده نشده است. این اختلاف موجب شد دادگاه به بررسی موضوع پرداخته و نهایتاً چنین حکم کند که نشان حلال استاندارد است برای ابراز اینکه آن غذا از هر جهت شرعاً حلال است و بنابراین مدیر فروشگاه به پرداخت خسارت محکوم شد (Ibid, 279).

برای مقابله با چنین اختلاف تفسیرهایی و نیز برای تعیین یک فرمولاسیون و استاندارد مشخص و بین‌المللی در غذای حلال، مؤسسه جهانی حلال وابسته به سازمان همکاریهای اسلامی در سال ۲۰۰۷م به منظور گسترش فرهنگ حلال تأسیس شد و در سال ۲۰۱۰م استاندارد غذای حلال توسط سازمان همکاریهای اسلامی به تصویب رسید. همچنین انجمن اروپایی نشان حلال AHC نیز با هدف تنظیم مقررات یکپارچه در این زمینه فعالیت می‌کند. تنظیم و تصویب این استانداردها و فعالیت سازمانهای مرتبط می‌تواند نقش بسزایی در پیشگیری از وقوع تقلب داشته باشد.

تقلب در کالاهای خوراکی از منظر فقه معاملات

در این قسمت به دو مطلب اشاره می‌شود: اصطلاح‌شناسی تقلب در فقه معاملات و حکم فقهی تقلب.

۱. اصطلاح‌شناسی تقلب

تقلب در کالای خوراکی ممکن است به دو شکل روی دهد:

۱-۱. غش

گاهی تقلب با «تغییر در کالا در مرحله تولید» است، از چنین تغییراتی در اصطلاح فقهی به «غش در معامله» تعبیر شده است، چنانچه از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که فرمود: «وقتی شیر را برای معامله عرضه می‌کنید، آن را با آب مخلوط ننمایید» (نوری، ۱۴۰۸ق، ۲۰۱/۱۳).

غش در اصطلاح یعنی اظهار امری خلاف واقع به‌گونه‌ای که برای فرد مقابل وجود امر مطلوبی یا فقدان امر مذمومی برخلاف واقع اظهار شود، مانند کتمان عیب (نراوی، ۱۴۱۵ق، ۲۸۵/۲؛ دردیر، بی تا، ۱۶۹/۳).

برخی حقوق‌دانان عرب، در اصطلاح حقوقی غش تجاری را معادل تقلب به‌کار برده‌اند، با این تعریف: «هر فعل یا قول فریب‌کارانه در نقض مقررات قانونی در زمینه تولید یا رعایت استانداردهای مرتبط با یک کالا یا خدمت قانونی، مانند استفاده از برند جعلی یا اظهار اطلاعات نادرست» (حمیش، ۲۰۰۴، ۵۵). غش در معامله به شدت مورد مذمت است، چنانچه در حدیث ابوهریره از پیامبر اکرم(ص)، قضیه کيفر دنیوی تاجری که پیش از اسلام با مخلوط کردن خمر با آب سود زیادی برده بود، بیان شده است (بیهقی، ۲۰۱۱، ۲۳۰/۷).

۱-۲. تدلیس

هرگونه «تغییر در کالا در مرحله عرضه» را اصطلاحاً تدلیس می‌نامند (نجفی، بی‌تا، ۳۶۲/۳۰). چنانچه «رسول اکرم(ص) به مردی که خرما می‌فروخت، فرمود: فلانی! آیا نمی‌دانی از مسلمانان نیست کسی که در معامله با آنان خیانت نماید (طوسی، ۱۴۰۷، ۱۲/۷). گویی خرما فروش مقداری خرما می‌خورد و مرغوب را روی خرماهای نامرغوب چیده بوده است، تا مشتری جمع شود، ولی موقع تحویل، مقداری از خرماهای نامرغوب را نیز به مشتری می‌داده است.

البته عناوین دیگری نیز در این باره حسب مورد به‌کار می‌رود، مثل «معیوب بودن» در موارد خیار عیب (نجفی، بی‌تا، ۲۳۶/۲۳) و «تطفیف» در جایی که تغییرات وزنی و به منظور تغییر در قیمت باشد (مطففین، ۱). گاهی نیز در روایات و مصطلحات فقها از تقلب در عرضه، به «غش» تعبیر شده است، چنانچه ابوهریره از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده است: «أنه(ص) مر برجل بیع طعاما فسأله کیف تبیع؟ ... فقال(ص): لیس منا من غش» (ابن تیمیه، ۱۴۰۸، ۱۵۰/۶؛ سیوطی، ۱۴۱۶، ۱/۵۵).

۲. حکم فقهی تقلب

چنانچه ذکر شد، تقلب در کالاهای خوراکی می‌تواند به دو شکل واقع شود که آن را می‌توان بر مصادیق و طرقی که فقها برای غش و تدلیس ذکر کرده‌اند، تطبیق نمود.

۱-۲. تغییر در مرحله تولید

مصادیق عمده این تغییرات از این قرار است: ۱. جایگزینی مواد اولیه با مواد غیرمجازی که خلاف استانداردها یا فرمولاسیون تولید است، مثل آنکه در تولید بستنی به‌جای زعفران از رنگ استفاده شود. ۲. استفاده از ترکیبات اضافی در کالای تولیدی مثل آنکه در غذای صنعتی تولیدی از مواد نگهدارنده یا طعم دهنده‌های غیرمجاز استفاده شود. ۳. تغییرات غیرمجاز در مواد اولیه مثل آنکه در تولید غذای پروتئینی، میزان گوشت مصرفی کمتر از حجم متعارف یا استاندارد باشد. ۴. در روند تولید تغییر ایجاد کند، مثل آنکه در دستورالعمل تهیه غذا، تغییر غیرمجازی انجام دهد یا زمان تولید را کاهش دهد، به‌نحوی که کیفیت غذا کاهش یابد، یا حتی آلودگی یابد، چنانچه در

برخی مواد پروتئینی، اگر غذا به مدت لازم گرما داده نشود، باکتریهای موجود در آن باقی می‌ماند.

به نظر می‌رسد تغییر در مرحله تولید، موجب خروج شیء از مجرای طبیعی (در کالاهای صنعتی) یا خلقت اولیه آن (در مواد طبیعی) می‌شود، به‌ویژه که امروزه رعایت استانداردهای مصوب، جزئی از ساختار طبیعی و متعارف کالا و عدم رعایت استانداردها و فرمولاسیون تولید، نقض اصالة السلامة محسوب می‌شود و بنابراین از موارد خیار عیب می‌باشد. مستند این تعبیر، بیان فقها است که عیب را به تغییری در خود شیء که موجب زیادت یا نقصان شیء از مجرای طبیعی و یا از اصل خلقت آن شود، تعبیر کرده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ۲/۲۹۱؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ۱/۳۷۳).

فقهای حنبلی، حنفی و مالکی نیز عیب را هرگونه اختلاف یا تغییری دانسته‌اند که موجب نقصان قیمت نزد تجار شود (سمرقندی، ۱۹۴۸م، ۱/۹۳؛ مرغینانی، بی‌تا، ۳/۳۶؛ ادریس، بی‌تا، ۲۳۰/۱). شافعی نیز عیب را هرگونه نقصان در عین یا قیمت دانسته که موجب تفویض غرض صحیحی شود، و اصالة السلامة را مبنای این تعریف برشمرده است (دمیاطی، ۱۹۳۸م، ۳/۳۰).

از لحاظ حکم تکلیفی، غش حرام، و جبران دنیوی آن بر فرد واجب است و در آخرت نیز فرد با ضمانت سنگین حق الناس مواجه است، حتی اگر مشتری متوجه غش نشود (انصاری، مرتضی، بی‌تا، ۱/۲۷۸؛ روحانی، ۱۳۷۶ش، ۱/۴۰۷). در فقه اهل سنت نیز غش در معامله حرام و از گناهان کبیره است، فاعل آن فاسق محسوب شده و شهادتش پذیرفته نمی‌شود (ترمذی، بی‌تا، ۲/۳۸۶؛ ابن‌عابدین، بی‌تا، ۴/۴۷؛ ابن‌قدامة، ۱۴۰۵ق، ۴/۵۳).

در مورد حکم وضعی غش بین فقها اختلاف است: برخی قائل به بطلان معامله در صورت غش در جمیع مثن هستند، چنانچه شهید اول می‌گوید: اگر غش در جمیع مثن یا مثن واقع شود، معامله باطل است؛ زیرا اگر مثن و مثن هم‌جنس باشند، معامله ربوی است و اگر غیر هم‌جنس باشند، نیز موقوف غیر مقصود است، و این نظر را شهید ثانی نیز تأیید می‌نماید (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۳۸۸). اما مشهور فقها به درستی قائل به تفصیل شده‌اند به اینکه اگر غش موجب شود کالا به‌طور کلی تغییر ماهیت دهد، به‌نحوی که موجب غرر شود، مثل آنکه به‌جای طلا، آهنی به رنگ طلا را بفروشد، یا موجب شود کالا از مالیت خارج شود، مثل آنکه کالا به‌طور کلی فاسد و غیر قابل استفاده باشد، معامله باطل است (انصاری، مرتضی، بی‌تا، ۱/۲۸۳).

لیکن اگر ماهیت کالا حفظ شود و فقط تغییری در کیفیت یا کمیت آن واقع شود معامله صحیح است و خیار عیب با حق فسخ، امضای مجانی یا امضا با اخذ ارش، ثابت است؛ زیرا اولاً؛ همچنان معامله منفعت عقلایی دارد و ثانیاً؛ نهی به غش تعلق گرفته، نه خود بیع و به تعبیر دیگر

منتی است بر زیان دیده و بنابراین او می‌تواند با گرفتن مابه‌التفاوت از حق خود بگذرد (نراقی، بی تا، ۱۷۱/۱۴؛ نجفی، بی تا، ۱۲۲/۲۲).

فقهای اهل سنت اجماع دارند بر اینکه هر فریب‌کاری و حيله‌ای که یکی از متعاقدین در معامله بر دیگری روا می‌دارد، بر لزوم عقد تأثیر گذارده و برای فریب خورده حق خیار ثابت می‌گردد و اگر فرد بعد از اتمام عقد، متوجه غش و عیب شد، می‌تواند از عقد رجوع کند (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق، ۱۰۷/۴؛ خطاب، ۱۳۹۸ق، ۴۵/۴).

از جمله موارد تفاوت نظر بین فقه امامیه و اهل سنت، در اثر خیار عیب است؛ زیرا فقهای امامیه در موارد خیار عیب، مشتری را بین سه امر مختار می‌دانند: امضای مجانی بیع و پرداخت ثمن، فسخ بیع و ردّ مبیع، و امضای بیع با اخذ ارش (نجفی، بی تا، ۱۲۲/۲۲). اما فقهای اهل سنت معتقدند در اثر خیار عیب، مشتری مخیر بین دو امر است: امضای مجانی بیع و پرداخت ثمن یا فسخ بیع و ردّ مبیع. ایشان به امکان امضای بیع با اخذ ارش قائل نیستند (موصلی، ۱۳۸۶ق، ۲۷/۲؛ زحیلی، ۱۹۸۹م، ۳۴۰/۱).

۲-۲. تغییر در مرحله عرضه

مصادیق چنین امری را می‌توان چنین دانست: ۱. عرضه یا فروش جنسی به جای جنس دیگر مثل اینکه به جای گوشت گوسفند، گوشت حیوان دیگری عرضه شود. ۲. ارائه اطلاعات نادرست در مورد کالای تولیدی، مثل استفاده از برند جعلی یا ارائه اطلاعات خلاف واقع در مورد ترکیب مواد مصرفی. ۳. بسته‌بندی غیرمجاز مواد غذایی که هم می‌تواند در اطلاعات کالای تولیدی موجب اشتباه شود، مثل اینکه کالایی را که به صورت خانگی تولید شده، در بسته‌بندی‌ای قرار دهند که توهم شود این کالا به صورت صنعتی تولید شده است، و هم می‌تواند در نگهداری و بهداشت کالا مؤثر باشد، مثل آنکه ماهی را در میان یخهای غیربهداشتی نگهداری کنند که موجب ورود مواد آلوده در آن شود. این تغییرات از مصادیق تدلیس محسوب می‌شود. تدلیس، از ریشه دَلَس به معنای ظلمت و تاریکی و به معنای کتمان کردن و پوشاندن است (ازهری، بی تا، ۳۶۲/۱۲).

در اصطلاح فقهی، تدلیس بدین گونه تعریف شده است: یکی از دو طرف عقد کارهای فریبنده و نیرنگ‌آمیز انجام دهد، یا این کارها با آگاهی او صورت گیرد، و به سبب آن کارها، کالای مورد معامله، فاقد عیب یا نقص موجود یا واجد کمال غیرموجود نمایانده شود و با اغوای طرف دیگر عقد، او را به انعقاد عقد ترغیب کند (مامقانی، بی تا، ۳۷۰/۱). خیار تدلیس در این موارد ثابت است و مشتری مخیر بین فسخ یا امضای مجانی است (بحرانی، ۱۳۶۳ش، ۹۷/۱۹؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ۷۶/۲).

گاهی این تغییرات با کتمان عیب یا اظهار اطلاعات نادرست است (عبدری، ۱۳۹۸ق، ۳۴۴/۴) و گاهی نیز باعث می‌شود کالا به صورت موقتی جذابیت یابد، یا اطلاعات دروغینی به خریدار

بدهد (خطیب شریینی، بی تا، ۶۳/۲). همچنین گاهی موجب تغییر در وزن و حجم کالای عرضه شده می‌شود، مثل ثبت وزن نادرست بر روی بسته‌بندی کالا (ابن نجیم، بی تا، ۲۴۵/۲؛ کاسانی، ۱۹۸۲م، ۱۹۶/۵). البته در مواردی که کتمان عیب با علم و عمد باشد، خیار عیب و تدلیس باهم ایجاد می‌گردد (صفایی، ۱۳۸۶ش، ۲۹۴/۲).

تاریخ مصرف از منظر فقهی

موضوع تاریخ مصرف بسیار اهمیت دارد. از جمله مصادیق تقلب در کالای خوراکی از لحاظ ماهوی، تولید کالا از مواد اولیه تاریخ مصرف گذشته یا عرضه مصرفی کالایی است که تاریخ مصرف آن گذشته است. از لحاظ شکلی نیز می‌توان به ارائه کالایی بدون تاریخ مصرف یا با درج تاریخ مصرف غیرواقعی اشاره کرد.

اگرچه فقها با صراحت به این عنوان اشاره ننموده‌اند، ولی اشاراتی به این موضوع در کلام ایشان یافت می‌شود. اگر کالا از مواد اولیه تاریخ مصرف گذشته تولید شود، یا اینکه در مقام عرضه، کالایی تاریخ مصرف گذشته در اختیار مشتری قرار داده شود، اگر در نتیجه این رفتار کالا به کلی از مالیت خارج شود، معامله باطل است، مثل اینکه در تهیه کیک، از تخم‌مرغهای فاسد استفاده و موجب مسمومیت غذا شود، به طوری که کیک قابل استفاده نباشد، در این صورت معامله باطل و هزینه حمل و نقل نیز بر عهده تولیدکننده است (انصاری، مرتضی، بی تا، ۲۸۳/۱).

لیکن اگر به‌رغم استفاده از مواد اولیه تاریخ گذشته یا عرضه کالای مصرفی تاریخ گذشته، مالیت کالا حفظ شده، ولی افت کیفیت یا کاهش کمیت کالا رخ دهد، حکم به ثبوت خیار می‌شود. فرض کنید یک رستوران به تقاضای یک مشتری قرارداد پخت ۱۰۰ پرس غذا برای مراسمی تنظیم نماید و برای تزئین غذا از زعفرانی استفاده کند که مدتی از تاریخ آن گذشته است و این موجب شود طعم و عطر غذا افت شدیدی پیدا کند، به طوری که معمولاً مشتریان میلی به صرف آن غذا نخواهند داشت. در اینجا باید حکم به ثبوت خیار عیب نمود که به نظر شیعه امکان امضای عقد با اخذ ارش هست، برخلاف نظر اهل سنت (شهید ثانی، بی تا، ۱۲۹/۳؛ مرغینانی، بی تا، ۳۵/۳). همچنین اگر تولیدکننده اقدام به درج اطلاعات خلاف واقع در مورد تاریخ مصرف کالا نماید، از مصادیق تدلیس محسوب می‌شود و خیار تدلیس ثابت است (بهوتی، ۱۴۰۲ق، ۲۱۳/۳).

خطرات تقلب در کالاهای خوراکی برای سلامت عمومی

ممکن است تقلب در کالاهای خوراکی موجب ایراد آسیب بر سلامت و بهداشت مصرف‌کنندگان شود، به‌ویژه که معمولاً فساد یا آسیب در مواد غذایی در سطح گسترده‌ای اثر می‌گذارد، چنانچه وقوع مسمومیتها یا بیماریها، نهان و آشکار در اثر مصرف چنین خوراکیهایی متداول است

(Neal, 2006, 126-142).

جنایت بالتسبیب از طریق تقلب در کالاهای خوراکی

اگر تقلب در کالای خوراکی موجب ایراد جنایت بر تمامیت جسمانی افراد یا سلامت عمومی شود، از موارد «جنایت بالتسبیب» محسوب می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی سببیت

فقها تعاریف گوناگونی از تسبیب ارائه داده‌اند. برخی سبب را این‌گونه تعریف نموده‌اند: «چیزی که اگر وجود نداشته باشد، تلف حاصل نخواهد شد، اما علت تلف چیز دیگری است» (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ۱۰۲۴/۴؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۲۰۵/۶؛ محقق کرکی، ۱۴۰۸ق، ۲۰۶/۶).

برخی نیز سبب را انجام عملی که ملزوم علت است، تعریف نموده‌اند؛ یعنی انجام عملی که تأثیر علت متوقف بر آن است، لیکن تمام العله نیست و امر دیگری نیز در تحقق نتیجه مؤثر است، مانند حفر چاه در ملک دیگری که ایراد جراحت متوقف بر آن است که مجنی‌علیه حرکت نماید و از آن مسیر عبور نموده و در چاه سقوط کند و تا وقتی مجنی‌علیه حرکت نکند، حفر چاه موجب جراحت نمی‌شود، لیکن جراحت حاصله نیز بدون حفر چاه محقق نمی‌شود (حلی، ۱۴۱۳ق، ۶۵۱/۳؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ۶۵۸/۴؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق، ۸۳/۲).

برخی دیگر نیز تفکیک بین سبب و مباشر را بی‌فایده تلقی کرده و بیان داشته‌اند: مهم این است که ببینیم نتیجه منتسب به چه کسی است (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۷ق، ۴۳۵/۲؛ نجفی، بی‌تا، ۵۰/۳۷).

۲. نحوه ضمان در تسبیب

از روایات استفاده می‌شود که ملاک در ضمانت در تسبیب، انتساب عرفی نتیجه مجرمانه به سبب است، به‌گونه‌ای که منتسب به رفتار فرد مباشر نباشد. در اینجا به دو روایت اشاره می‌شود:

- عن ابی الصبّاح الکنائی عن ابی‌عبدالله(ع): «مَنْ أَضَرَ بِشَيْءٍ مِنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ۱۵۵/۴). در این حدیث، به ضمانت شخص در مواردی که اقدام به نصب ناودان، ریختن آب، یا حفر قنات نموده و موجب اضرار به دیگران شود، اشاره شده است؛ زیرا آسیب منتسب به اضرار فرد است، از باب اقوی بودن رفتار سبب (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۴۳۹/۱۰).

- عن ابی‌بصیر عن ابی‌عبدالله(ع): «سَأَلْتُهُ عَنْ غُلَامٍ دَخَلَ دَارَ قَوْمٍ يَلْعَبُ فَوَقَعَ فِي بَرْتَمِهِمْ أَيْضَمُونٌ قَالَ لَيْسَ يَضْمُونُ وَإِنْ كَانُوا مُتَّهَمِينَ ضَمِنُوا» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ۱۵۴/۴). در این روایت، به یکی دیگر از معیارهای ضمانت سبب اشاره شده است؛ یعنی اینکه جهل مباشر و تقصیر سبب، موجب جنایت شود. بنابراین اگر طفلی که مشغول بازی در خانه میزبان است، داخل چاه

بیافتد، اگر سقوط او نتیجه تقصیر میزبان باشد، جنایت منتسب به ایشان است و ضامن جنایت هستند وگرنه ضامن نیستند.

ضمان در تقلب در کالاهای خوراکی

در ضمان کیفری، دو فرض اصلی باید بررسی شود: ۱. اگر تقلب موجب مرگ مصرف‌کننده شود ۲. اگر تقلب موجب بیماری یا درد و رنج مصرف‌کننده شود.

۱. مرگ ناشی از تقلب در کالای خوراکی

در مباحث فقهی برای سببیت در قتل، فرضی تحت عنوان «عرضه غذای مسموم به دیگری» مطرح شده است که شبیه موضوع تقلب در کالاهای خوراکی است (حلی، ۱۴۲۰ق، ۴۲۴/۵).

اگر تقلب در کالای خوراکی موجب مرگ کسی شود، چهار حالت در آن متصور است:

۱. اگر مصرف‌کننده بالغ با علم به اینکه آن غذا نوعاً کشنده است، اقدام به مصرف آن کند؛ در این صورت مصرف‌کننده مباشر در مرگ بوده و نتیجه منتسب به رفتار خود او است، بنابراین قصاص و دیه منتفی است (حلی، ۱۴۱۳ق، ۵۸۷/۳).

۲. اگر تولیدکننده علم به اینکه آن غذا نوعاً کشنده است، داشته، ولی عرضه کننده و مصرف‌کننده جاهل به این وصف باشند؛ در این فرض هم عرضه کننده غذا مثلاً فروشگاه مواد غذایی و هم مصرف‌کننده جاهل به نوعاً کشنده بودن آن غذا می‌باشند، در این مورد قصاص بر تولیدکننده (سبب) ثابت است؛ زیرا گرچه عرضه کننده واسطه در ارائه غذا بوده است و حتی خود مصرف‌کننده نیز اقدام به خوردن غذا کرده؛ یعنی تحقق بخشی از فعل توسط خود مجنی علیه باشد، لیکن به خاطر فریب و حيله، تولیدکننده سبب جنایت محسوب شده و اقوی از مباشر است (همان).

همچنین اگر کسی غذای مسموم یا آلوده‌ای را که میزان و کیفیت سم یا آلودگی آن، نوعاً کشنده است، به دیگری بخوراند یا با فریب‌کاری و حيله در اختیار او قرار دهد و موجب ایراد آسیب یا جنایتی بر فرد شود، به نحوی که جنایت منتسب به او باشد، جنایت عمدی محسوب شده و قصاص ثابت است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۲۳/۱۰؛ کاشانی مدنی، ۱۴۱۰ق، ۱۱). به علاوه اگر کسی غذای مسموم را به کسی بدهد و بداند آن غذا موجب بیماری می‌شود که آن بیماری نوعاً کشنده است، باز هم قصاص ثابت است.

۳. در صورتی که عرضه کننده عالم به نوعاً کشنده بودن غذا باشد؛ مثل آنکه مدیر فروشگاه علم به آلودگی یا مسمومیت غذا داشته باشد. در این فرض قصاص بر عرضه کننده ثابت است؛ زیرا به خاطر علم عرضه کننده، نتیجه منتسب به او است و تولیدکننده نیز به مجازات معاونت محکوم می‌شود.

۴. اگر تولیدکننده، عرضه‌کننده و مصرف‌کننده همگی جاهل به نوعاً کشنده بودن غذا باشند: در عمده موارد تولید و عرضه‌کنندگان تا این حدّ سوء نیت ندارند که با علم به کشنده بودن باز هم غذای آلوده را عرضه کنند، بلکه معمولاً گرچه از آلوده یا غیراستاندارد بودن غذا آگاه هستند، ولی علم به کشنده بودن ندارند و تصور می‌کنند آلودگی یا تخلف بهداشتی انجام شده موجب آسیب خاصی نمی‌شود.

در چنین مواردی باید حکم کرد که اگر غذای نوعاً کشنده‌ای را بدون علم به این وصف تولید و عرضه کند و مصرف آن غذا موجب مرگ مصرف‌کننده شود، جنایت حسب مورد «خطای شبیه به عمد» یا «خطای محض» است و دیه بر تولیدکننده ثابت خواهد بود؛ زیرا نتیجه متناسب به رفتار او است، گرچه عنصر معنوی عمدی به خاطر جهل منتفی است (تبریزی، ۱۴۲۶ق، ۲۹).

۲. بیماری ناشی از تقلب در کالای خوراکی

در بسیاری از موارد، مصرف غذای تقلبی موجب بروز بیماری به‌ویژه مسمومیت غذایی یا بروز آسیبهای گوارشی می‌شود. طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی، از سال ۱۹۸۴م به بعد در سطح جهان، بیماریهای ناشی از غذا، سه برابر افزایش یافته است. در کشور ما نیز سالیانه نزدیک به ۷۰ هزار کودک زیر پنج سال، به علت ابتلا به اسهال فوت می‌کنند که علت اصلی آن نیز مسمومیت‌های غذایی است (کریمی و دیگران، ۱۳۷۴ش، ۷۲-۷۵).

نحوه ضمان در بیماری و مسمومیت‌های ناشی از تقلب در کالای خوراکی

اگر تقلب موجب بروز بیماری یا مسمومیت در مصرف‌کننده شود، «ارش یا حکومت» بر سبب ثابت می‌شود که حسب مورد، سبب همان تولیدکننده یا عرضه‌کننده خواهد بود.

۱. ارش و حکومت از دیدگاه امامیه

در اصطلاحات فقهی معمولاً ارش و حکومت را مترادف و به معنای مالی دانسته‌اند که جنایت‌کار در مقابل جنایت انجام شده، به مجنی‌علیه می‌پردازد؛ در مواردی که در آن دیه خاصی تعیین نشده است (نجفی، بی تا، ۱۶۸/۴۳). ولی برخی بین این دو تفاوت گذاشته‌اند. توضیح آنکه حکومت گاهی مترادف با ارش به‌کار رفته است (طوسی، ۱۳۵۱ش، ۱۲۳/۷).

اما در مواردی که جنایت موجب نقصان نشود، فقها اصطلاح ارش را بر آن اطلاق نمی‌کنند، مانند آنکه انگشت زائد کسی را قطع کند، یا جنایت فقط موجب بروز دردی داخلی شود، بدون آنکه موجب جراحت یا بروز تغییری در رنگ پوست شود، مثل آنکه غذای آلوده موجب دل‌درد شود. در این موارد اصطلاح «حکومت» به‌کار می‌رود. حکومت در اینجا به معنای آن است که قاضی مبلغی برای مصالحه و ختم دعوا تعیین می‌کند؛ زیرا به دلیل تعسر یا تعذر در تساوی،

قصاص منتفی است و دیه مقدر نیز ندارد، نقصان نیز حاصل نشده است، بنابراین ارش نیز منتفی است. از این رو، تنها راه برای جبران جنایت، حکومت است (خمینی، بی تا، ۵۹۳/۲).

البته به نظر می‌رسد این تفکیک بین ارش و حکومت بی‌وجه بوده و اصرار بر لزوم وجود نقصان، مبتنی بر روش محاسبه ارش بر مبنای عبدانگاری باشد که محل اشکال است، همچنین گویا عبارت «خدش» در روایات که به معنای خراش روی پوست است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۱۶۶/۴) از باب اجلی المثالین است؛ زیرا ۱. ادله ارش، مناط ضمان ارش را اختصاص به نقصان نداده‌اند، بلکه مطلق جنایت و آسیب را لحاظ کرده‌اند ۲. ادله باب مثل قاعده تسبیب، اتلاف و لاضرر، ضمان را در نتیجه مطلق آسیب بر غیر ثابت می‌کنند ۳. در حدیث ابوبصیر از امام صادق(ع) در مورد ارش آمده است: «... فَعَمَزَنِي بِيَدِهِ وَقَالَ حَتَّى أُرْشُ هَذَا» (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱۵۲/۱)؛ یعنی حضرت یک نیشگون از من گرفت و فرمود حتی ارش این فشار دادن هم در کتاب جامعه هست. مشخصاً یک نیشگون گرفتن موجب نقصان قیمت و یا خراش پوست نمی‌شود، ولی ارش در آن هست ۴. اگر آسیب وارد شد، ولی به سرعت بهبود یافت، نقصان قیمت برطرف شده است، ولی همه ارش را ثابت می‌دانند.

۲. ارش و حکومت از دیدگاه اهل سنت

فقهای اهل سنت واژه ارش را بیشتر به معنای دیه جنایت مادون نفس دانسته‌اند (موسوعة الفقه الاسلامی، ۱۳۹۰ق، ۸۴/۵؛ زحیلی، ۱۹۸۹م، ۵۷۰۲/۷)، اعم از آنکه مقدار آن در شرع معین شده باشد و یا معین نشده باشد و از این رو ارش را به دو قسم، ارش مقدر و ارش غیرمقدر تقسیم نموده‌اند (شیرازی، ۱۴۱۹ق، ۹۲۰/۴۰، ۹۲۱ و ۹۲۶).

فقهای اهل سنت واژه حکومت را به معنای دیه جنایت بر مادون نفس که در شرع معین نشده است و باعث تفاوت قیمت و نقصان آدمی می‌شود، به‌کار برده‌اند؛ یعنی حکومت در اصطلاح ایشان، با ارش در اصطلاح فقهای امامیه یکسان است (همان، ۹۳۱/۴۰).

در فقه حنفی در مورد جنایتی که صرفاً موجب ایجاد درد یا بیماری بدون نقصان شود، اختلاف نظر است: برخی مثل محمد بن فرقد شیبانی معتقدند: در آسیبهایی که بهبود یافته و اثری از آن باقی نمی‌ماند، باید به میزان درد و رنجی که بر مجنی علیه تحمیل شده، حکومت پرداخت شود، ولی قاضی ابویوسف انصاری معتقد است: جانی موظف است هزینه‌های درمان را تأدیه کند، ولی ارش و حکومت منتفی است. از ابوحنیفه هم نقل شده است که اگر جنایت همراه با نقصان نباشد به اینکه اثر جنایت کاملاً بهبود یابد یا اینکه اصل اثر و خسارتی باقی نگذارد و فقط در حد درد و رنج باشد، هیچ چیز بر جانی ثابت نمی‌شود (سرخسی، ۱۹۸۹م، ۸۱/۲۶).

به هر حال اگر تقلب در کالای خوراکی، موجب آسیبی در مصرف‌کننده شد، ارش یا حکومت ثابت است. همچنین طبق ادله فقهی از قبیل قاعده تفویت و لزوم جبران جنایت، قاعده لاضرر،

قاعده تسبیب، معتبره غیاث از امام صادق (ع)^{۱۰} (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۳۸۳/۲۹) و سیره عقلا می‌توان اثبات نمود که مرتکب تقلب موظف است هزینه‌های درمان مجنی علیه را بپردازد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸ش، ۸۳ و ۱۱۴).

تعزیر مرتکب تقلب در کالاهای خوراکی

قانون‌گذار در قانون مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی ۱۳۴۶/۵/۲۲ش و اصلاحیه آن در ۱۳۵۳/۱۲/۱۸ش، برای مرتکب تقلب مجازات تعزیری مقرر نموده است، البته قوانین دیگری نیز در این زمینه مطرح است، مانند قانون سازمان وزارت بهداشتی ۱۳۲۴/۹/۲۲ش، قانون بهداشت شهری ۱۳۲۹/۱۱/۲۹ش، قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی ۱۳۳۴/۲/۲۹ش و قانون تعزیرات حکومتی ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ش. مجازات مرتکبان تقلب براساس قانون مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی ۱۳۴۶/۵/۲۲ش و اصلاحیه آن در ۱۳۵۳/۱۲/۱۸ش را در یک جدول می‌توان چنین ترسیم نمود:

| ردیف | عنوان مجرمانه | مجازات ^{۱۱} |
|------|---|---|
| ۱ | مصرف کالای تقلبی موجب مرگ یا بیماری نشود. | الف) تولید کننده، تهیه کننده و مخلوط کننده: حبس جنایی درجه دو، از دو تا پنج سال ب) سایر مرتکبان: حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال |
| ۲ | مصرف کالای تقلبی، موجب بیماری یا آسیبی شود که مدت معالجه آن کمتر از یک ماه باشد. | الف) تولید کننده، تهیه کننده و مخلوط کننده: حبس جنایی درجه یک، از سه تا ۱۰ سال ب) سایر مرتکبان: حبس جنحه‌ای از شش ماه تا دو سال |
| ۳ | مصرف کالای تقلبی، موجب بیماری یا آسیبی شود که مدت معالجه آن بیشتر از یک ماه باشد. | الف) تولید کننده، تهیه کننده و مخلوط کننده: حبس جنایی درجه یک، از سه تا ۱۰ سال ب) سایر مرتکبان: حبس جنحه‌ای از یک تا سه سال |

۱۰. «عَنْ غِيَاثٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ (ع) قَالَ: مَا دُونَ السَّمْحَاقِ أَجْرُ الطَّيِّبِ».

۱۱. از آنجا که این قانون مصوب سال ۱۳۴۶ش و اصلاحی سال ۱۳۵۳ش است، برای تعیین مجازاتها از عناوین حبس جنایی و جنحه و درجات مختلف آن استفاده شده است که با توجه به قوانین مجازات قبل از انقلاب به‌ویژه قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲/۲/۱۱ش است که در ماده هفت آن، مقرر داشته است: «جرم از حیث شدت و ضعف مجازات بر سه نوع است: ۱. جنایت ۲. جنحه ۳. خلاف». در ماده هشت نیز درجات مختلف آن را بیان نموده است: «۱. اعدام ۲. حبس دائم ۳. حبس جنایی درجه یک، از سه سال تا ۱۵ سال ۴. حبس جنایی درجه دو، از دو سال تا ۱۰ سال».

| | | |
|---|--|---|
| ۴ | مصرف کالای تقلبی، موجب نقص عضو شود. | الف) تولید کننده، تهیه کننده و مخلوط کننده: حبس جنایی درجه یک، از پنج تا ۱۵ سال ب) سایر مرتکبان: حبس درجه یک، از سه تا ده سال |
| ۵ | مصرف کالای تقلبی، موجب نقص زیبایی شود. | الف) تولید کننده، تهیه کننده و مخلوط کننده: حبس جنایی درجه دو، از دو تا ۱۰ سال ب) سایر مرتکبان: حبس جنحه‌ای از یک تا سه سال |
| ۶ | مصرف کالای تقلبی موجب مرگ شود. | الف) تولید کننده، تهیه کننده و مخلوط کننده: اعدام ب) سایر مرتکبان: حبس جنایی درجه یک، از سه تا ۱۵ سال |
| | | در کلیه موارد فوق، همه مرتکبان، به جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال و محرومیت از اشتغال به مشاغل مرتبط، از یک تا سه سال محکوم می‌شوند (وزارت دادگستری می‌تواند میزان جزای نقدی را حسب تورم تعدیل کند). |

جدول شماره ۱

مواد ۳۱ تا ۴۴ قانون تعزیرات حکومتی ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ ش نیز به تعیین مجازات برای متخلفان به شرح ذیل پرداخته است:

۱. لزوم اخذ پروانه ساخت

براساس ماده ۳۱ این قانون، تولید مواد خوراکی منوط به اخذ پروانه ساخت از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد و در صورت تخلف، به مجازاتهای تعطیلی واحد تولیدی، ضبط کالای تولیدی و جریمه نقدی محکوم می‌شود.

۲. لزوم حضور مسئول فنی

براساس ماده ۳۲، تولید مواد خوراکی باید با حضور مسئول فنی و نظارت او باشد. تخلف از این وظیفه، موجب مجازات تولیدکننده با تعطیلی موقت، ضبط کالای تولیدی و جریمه نقدی است. همچنین در صورت تقصیر مسئول فنی در انجام وظایف، او نیز به مجازات با اخطار کتبی و درج در پرونده، جریمه نقدی و تعلیق موقت پروانه مسئول فنی محکوم می‌شود.

۳. لزوم درج اطلاعات تولید

به موجب ماده ۳۴، کلیه تولیدکنندگان موظفند برچسب اطلاعاتی را بر روی کلیه محصولات و فرآورده‌های تولیدی خود الصاق نمایند. تخلف از این امر، موجب محکومیت به اخطار کتبی و جریمه نقدی به درجات مختلف می‌شود.

۴. لزوم رعایت فرمولاسیون

براساس ماده ۳۵، کلیه تولیدکنندگان موظف به رعایت فرمول ثبت شده در پروانه ساخت می‌باشند. در صورتی که تخلف از این وظیفه، موجب کاهش مواد متشکله گردد، از مصادیق

کم‌فروشی یا گران‌فروشی محسوب و مرتکب به مجازات با جریمه نقدی با درجات مختلف، نصب پارچه سر درب واحد تولیدی به عنوان گران‌فروش و معرفی از طریق رسانه‌های گروهی، محکوم می‌گردد.

بررسی تعزیرات حکومتی در جرایم از منظر فقه مقارن

در پایان این نوشتار، به بررسی موضع فقه مقارن نسبت به تعزیرات حکومتی پرداخته می‌شود.

۱. تعزیرات حکومتی در فقه امامیه

در فقه امامیه، تعزیر عقوبتی است برای مجازات مجرمان در مواردی که حدّ شرعی برای آن رفتار مشخص نشده باشد (حلی، ۱۳۶۲ش، ۴۱۶). تعزیر بر دو قسم است: ۱. تعزیر مقدر یعنی موردی که خود شریعت برای آن مقدار مشخص کرده باشد و تعزیر غیرمقدر یعنی تعزیری که موضوع یا مقدار آن را حاکم حسب صلاحدید خود تعیین می‌کند. همچنین تعزیر از جهت مرجع تعیین کننده به تعزیر شرعی و تعزیر حکومتی تقسیم می‌شود.

در مورد اجرای تعزیرات حکومتی، بین فقهای امامیه اختلاف است:

۱. برخی معتقدند اجرای تعزیر برای کلیه گناهان، تکلیف حاکم است: «التعزیر یجب فی کل جنایه لا حدّ فیها» (حلی، بی تا، ۲/۲۳۹).
۲. برخی تعزیر را از اختیارات حاکم دانسته‌اند، به این معنا که در مواردی که مصلحت اقتضا کند، تعزیر اجرا می‌شود (طوسی، ۱۴۱۸ق، ۳/۲۳۳؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۶۳ش، ۸۱؛ طباطبایی، ۱۹۹۲م، ۱۰/۱۳۴).

۳. برخی مثل آیت‌الله سید رضا گلپایگانی نیز تعزیر را صرفاً در موارد تعزیر شرعی مشروع می‌دانند و مشروعیت تعزیرات حکومتی را مشکل دانسته‌اند (کریمی جهرمی، ۴۱۲ق، ۲/۱۵۰). لیکن نظر دوم یعنی اختیار عمل حاکم در زمینه تعزیر برای حسن اداره جامعه به‌ویژه با توجه به مبانی ولایت فقیه، همان نظر صحیح و صائب است و ادله مختلفی بر آن اقامه شده است که مهم‌ترین دلیل را می‌توان فقه سیاسی اسلام و ضرورت اداره جامعه وفق شرایط زمان و مکان دانست.

در اینجا به ذکر روایت امیرالمؤمنین (ع) خطاب به مالک اشتر به عنوان تئوری سیاسی اسلام اکتفا می‌شود: «از احتکار و حبس کالا جلوگیری کن؛ زیرا رسول خدا(ص) از آن منع نمود و کسی را که بعد از نهی تو احتکار کند، به کیفر برسان، کیفری که سبب رسوایی او و عبرت دیگران باشد، ولی از اندازه تجاوز نکن» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). در خصوص این روایت می‌توان گفت: اولاً؛ سیاق روایت آن است که وجه مجازات، حاکمیت و لزوم اداره جامعه است، نه جنبه‌ای تعبدی، ثانیاً؛ این روایت میزان و نوع مجازات را تعیین نکرده که نشان‌دهنده اختیار حاکم در آن

است. بنابراین قاعده کلی این است: «التعزیر بما یراه الحاکم» (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۱ق، ۵۳۶/۳).

در مورد نوع مجازات تعزیری دو نظریه مطرح است:

۱. اختصاص تعزیر به ضرب: برخی تعزیر را اختصاص به ضرب و شلاق داده‌اند و حبس، محرومیت از اشتغال و مواردی از این دست را در غیر موارد منصوصه، غیرمشموع دانسته‌اند (صافی گلپایگانی، ۱۳۶۳ش، ۲۲).

۲. اختیار حاکم در نوع تعزیر: عمده فقها به حق و صواب قائل هستند که نوع تعزیر را نیز حاکم طبق مصلحت تعیین می‌کند. علامه حلی در تحریر الاحکام می‌گوید: «تعزیر با ضرب و حبس و توبیخ انجام می‌شود» (حلی، ۱۴۲۰ق، ۲۳۹/۲). محمدتقی مجلسی نیز حبس را یکی از انواع تعزیر دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۶۳/۶) و صاحب جواهر نیز به صراحت بیان داشته است: «تعزیر با هرچه حاکم صلاح بداند، انجام می‌شود» (نجفی، بی‌تا، ۱۷۵/۴۲). بنابراین حکم به تعمیم نوع مجازات تعزیری، امری موافق ادله است (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۶ق، ۲۳۹).

در سیره معصومان نیز می‌توان مصادیق مختلفی از تعزیر را مشاهده نمود، مثل تذکر (آمدی، ۱۴۱۳ق، ۴۱۷/۱)، تراشیدن موی سر (کلینی، ۱۳۶۷ش، ۲۳۹/۷)، اخراج از منزل (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۵۹/۱۴)، حبس (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۲۰/۳)، جریمه نقدی و محرومیت از شغل (یعقوبی، بی‌تا، ۳۰۳/۲) و ... (انصاری و دیگران، ۱۳۸۶ش، ۲۲۶-۲۲۸).

۲. تعزیرات حکومتی در فقه اهل سنت

فقهای اهل سنت تعزیر را چنین تعریف نموده‌اند: «تعزیر همان تأدیب است و برای ارتکاب گناهانی است که حدّ و کفاره‌ای در آن تعیین نشده است» (ماوردی، ۱۳۶۳ش، ۲۳۶/۲). به نظر اهل سنت تعزیر بر دو قسم است: تعزیر شرعی در مواردی که معصیت انجام شده باشد و تعزیر حکومتی در مواردی که حاکم به خاطر مصالحی برای برخی رفتارها تعزیر تعیین کند (شافعی صغیر، ۱۴۱۴ق، ۱۹۰/۸ و ۱۹۱/۸؛ ابن فرحون، ۱۳۰۱ق، ۲۶/۲؛ رافعی، ۱۹۹۶م، ۸۵).

در مورد میزان و نوع تعزیر، فقهای اهل سنت در مذاهب مالکی، حنفی، شافعی و برخی فقهای حنبلی مثل ابن عقیل، قائل به اختیار عمل برای حاکم هستند و معتقدند: حاکم می‌تواند مجرم را به هر صورت که مصلحت بداند، تعزیر نماید (انصاری، ابوزکریا، بی‌تا، ۱۶۲/۴؛ قرافی، بی‌تا، ۲۰۶/۴ و ۲۰۷/۴؛ ابن تیمیه، ۱۹۷۶م، ۹۹، جزیری، ۱۴۱۱ق، ۴۰۰/۵).

حتی برخی از ایشان قائل هستند در مواردی که جلوگیری از مفسده و شرارت جانی بدون مرگ او ممکن نیست، حاکم می‌تواند به عنوان تعزیر او را به قتل برساند، مثلاً در جاسوسی و بدعت‌گذاری (خن و بغا، ۱۴۱۷ق، ۴۳۰/۳؛ ابو عامر، ۱۹۶۹م، ۲۴۵؛ عوده، ۱۴۱۳ق، ۱۲۳/۱، ۶۸۸ و ۶۸۷). عبدالله بن مسعود نیز بیان نموده است که تعزیر منحصر به روش خاصی نیست و هر

عقوبتی را که گناهکار را از انجام گناه بازدارد، می‌توان به عنوان تعزیر اعمال کرد (قلعه‌چی، ۱۴۱۲ق، ۱۲۴).

در زمینه تعزیر در فقه اسلامی مباحث وسیعی وجود دارد که در این مختصر نمی‌توان به آن پرداخت. جمع‌بندی مطلب اینکه در فقه مقارن، حکومت اسلامی می‌تواند مرتکب تقلب در کالای خوراکی را محکوم به مجازات تعزیری نماید و نوع و میزان این مجازات‌ها از اختیارات حکومت است.

آسیبها و راهکارهای پیشنهادی

در ادامه به ذکر آسیبها و راهکارهای پیشنهادی پرداخته می‌شود:

۱. آسیبها

باید اعتراف نمود به‌رغم قاطعیت فقه اسلامی در نگرش شیعه و اهل سنت در برخورد با رفتاری که سلامت جامعه و مصرف‌کنندگان را به خطر می‌اندازد و نیز به‌رغم وجود قوانین موضوعه مرتبط با این موضوع، متأسفانه هنوز هم سطح امور مخاطره‌آمیز برای سلامت عمومی به‌ویژه تقلب در کالاهای خوراکی بالا است.

نگارنده نیز متوجه این واقعیت هست که صرف وجود قوانین شرعی و عرفی، وافی به مقصود نیست و مؤلفه‌های دیگری نیز ضروری است. بنابراین به اختصار انگیزه‌های مرتکبان از تقلب و سطح واکنش اجرایی و اجتماعی نسبت به این موضوع بررسی می‌شود:

۱. به‌وضوح مهم‌ترین انگیزه افراد از تقلب در امر تولید و عرضه کالا، کسب سود اقتصادی بیشتر است. به‌عنوان مثال وقتی افراد می‌بینند اگر در تهیه غذای سرخ‌کردنی طبق فرمولاسیون بخواهند در فواصل زمانی کوتاه روغن درون ظرف را تعویض کنند، موجب افزایش هزینه تمام شده، افزایش قیمت نهایی و در نتیجه کاهش تقاضا و سود می‌شود، بنابراین تصمیم می‌گیرند برخلاف فرمولاسیون معین شده از روغن مصرف شده، چندین بار دیگر نیز استفاده کنند، همان اتفاقی که به‌ویژه در فست‌فودها رخ می‌دهد.

۲. انگیزه دیگر، استفاده از فرمولاسیون یا روشهای مختلف تولید یا عرضه است. نمونه بارز این امر را در آمارهای ارائه شده در مورد آلودگی غذاهای سنتی می‌توان مشاهده نمود. این یک واقعیت است که بخشی از جامعه ما محصولات سنتی را بر صنعتی ترجیح می‌دهند، ولی چرا؟

عمده‌ترین دلیل آن بی‌اعتمادی یا بدبینی به تولیدات و فرمولاسیون صنعتی تولید است. در مباحث قبلی به آمار آلودگی در پنیرهای محلی اشاره شد، ولی اگر از مشتریان پنیرهای محلی پرسیم: چرا آن را بر پنیر صنعتی ترجیح می‌دهند، دو پاسخ ارائه خواهد شد: تصور افزایش ارزش

غذایی در فرایند تولید خانگی و محلی، و نگرانی از خطرات مواد شیمیایی یا تغییرات مصنوعی در فرایند تولید. به طور کلی تولیدات محلی و سنتی تا حد زیادی در معرض این آسیب هستند.

۳. جنبه‌های امنیتی و سیاسی؛ همچنان که می‌دانیم امنیت غذایی و تأمین نیاز خوراکی جامعه از بایسته‌های اداره جامعه است و بنابراین گاهی برای دستگاه‌های نظارتی برخورد با تقلب دشوار است؛ زیرا از سویی برخورد با مرتکبان موجب فشار بر وضعیت اقتصادی می‌شود و از سوی دیگر ممکن است اعتراض مردم را به دنبال داشته باشد، همانند آنچه در جریان روغن پالم در لبنیات به آن اشاره شد.

هشدار وزیر بهداشت مصداق برخورد با تقلب در کالای خوراکی بود، لیکن از باب گستردگی و تأثیر موضوع لبنیات در تغذیه عمومی، باعث شد رغبت مردم به خرید لبنیات کاهش یابد و از سوی دیگر تولیدکنندگان ناچار شوند فرمولاسیون تولید خود را اصلاح کنند و بنابراین موجب افزایش قیمت لبنیات شد و در نهایت سبب فشار اقتصادی بر عموم جامعه گردید، به نحوی که ممکن است عده‌ای نسبت به اصل سودمند بودن برخورد با تقلب در کالای خوراکی تردید نمایند.

۴. ضعف نظارتها؛ یکی از عوامل مهم در گسترش تقلب، ضعف یا عدم قاطعیت نظارتها است. مدتهاست که آثار سوءاستفاده از رنگهای افزودنی غیرمجاز در خوراکیها بر همگان آشکار شده است، لیکن چه تدبیر کارسازی در این باره اندیشیده شد؟ همین امر اعتماد عمومی به سطح نظارتها را نیز کاهش می‌دهد.

۵. فقدان اطلاع‌رسانی علمی پیرامون بایدها و نبایدها در کالاهای خوراکی؛ به عنوان مثال سالهاست در مورد آثار مواد نگهدارنده در لبنیات در بین افراد عادی جامعه تردید وجود دارد و همین امر سبب رواج تبلیغات غیررسمی لبنیات محلی و غیرصنعتی شده است.

۲. راهکارهای پیشنهادی

چه چیز در این شرایط می‌تواند کمک کند؟ به نظر می‌رسد قوانین فعلی و ضمانت‌اجراهای تعیین شده در آن، در نفس خود، کمابیش راهگشا باشند، ولی اموری دیگر نیز لازم است:

۱. قاطعیت و جدیت در اجرای قانون با افزایش و تشدید نظارتها بر واحدهای تولیدی دارای مجوز فعالیت و پروانه ساخت؛ البته توجه به سلامت غذایی در سیاست مدیریتی کشور و اسناد بالادستی مهم است؛ زیرا گاهی مبارزه با تقلب، نیاز به تحولی در عرصه تولید کلان کشور دارد.

۲. تعیین ضمانت‌اجراهای جدی‌تر در قبال فساد مأموران نظارتی؛ زیرا عرصه فعالیت‌های تجاری و اقتصادی، پتانسیل بالایی برای فساد نسبت به نهادهای نظارتی دارد.

۳. فرهنگ‌سازی مناسب؛ متأسفانه شرایط اقتصادی و اجتماعی در جامعه ما گاهی موجب می‌شود افراد استفاده از کالای غیربهداشتی یا غیراستاندارد را به خاطر صرفه اقتصادی خانوار بر استفاده از مواد غذایی سالم و استاندارد ترجیح دهند که فرهنگ‌سازی و آموزش، یکی از راههای

آگاه ساختن خانواده‌ها نسبت به لزوم توجه به سلامت و استاندارد بودن غذا است، گرچه به هر حال شرایط اقتصادی نامناسب اقتضائات دشواری دارد.

۴. تقویت نقش مسئولان فنی و کارشناسان بهداشت محیط.

۵. تنظیم دستورالعملها و فرمولاسیون در مورد خوراکیهای محلی و سنتی؛ به طور مشخص نمی‌توان کالای محلی یا سنتی را از سبد مصرف مردم خارج کرد. رشد تولید و عرضه این کالاها شاهد نامناسب بودن سیاست حذف این قبیل کالاها است؛ زیرا یک اصل اساسی در زمینه مدیریت مصرف جامعه وجود دارد که تا وقتی در جامعه تقاضا برای کالایی وجود داشته باشد و راههای تأمین قانونی آن دشوار باشد، کالا عرضه خواهد شد، حتی اگر به شکل غیرمجاز باشد (بیابانی و نظری، ۱۳۹۱ش، ۱۱۲).

پس بهترین راه حل آن است که نهادهای مربوطه اقدام به تنظیم و تعیین فرمولاسیون مناسب برای کالاهای سنتی و خارج کردن این عرصه از بی‌نظمیهای کنونی و البته تثبیت نظارت‌های کارساز بر واحدهای تولید و عرضه کننده نمایند. متأسفانه فقدان قانون جامع و متناسب نسبت به فعالیتهای پراکنده و خرد، یکی از مشکلات از حیث سیاست تقنینی ما است.

۶. تثبیت وضعیت اقتصادی؛ قطعاً مشکلات اقتصادی مؤلفه‌ای تأثیرگذار است، هم در سطح نظارت و برخورد و هم در انگیزه‌سازی برای تخلقات. زمانی که واحدهای تولیدی به دلیل مشکلات در اقتصاد کشور دچار رکود و افت تولید و درآمد هستند و از طرف دیگر مشکل اشتغال نیز چالش ایجاد کرده است، اگر دستگاههای نظارتی بخواهند با قاطعیت برخورد نموده و به عنوان مثال حسب ماده ۳۱ قانون تعزیرات حکومتی ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ش اقدام به تعطیلی واحد تولیدی نمایند، به این مشکلات اقتصادی و اجتماعی دامن زده خواهد شد. همچنین واحدهای تولید و عرضه ترجیح می‌دهند برای کسب درآمد و جبران ضررهای مالی، فرمولاسیون یا استانداردهای لازم را کمتر رعایت کنند.

نتیجه

۱. گرچه جرایم علیه سلامت عمومی، از عناوین جدید در حقوق کیفری است، لیکن تقلب در کالاهای خوراکی از مصادیق پرسابقه آن است. تقلب در کالاهای خوراکی به مفهوم هرگونه دخل و تصرف غیرمجاز در فرایند تولید یا عرضه کالای خوراکی است که گاهی آثار مستقیم یا غیرمستقیم، کوتاه‌مدت یا درازمدت، و آشکار یا پنهان بر سلامت عموم افراد جامعه دارد.

۲. تقلب در کالا موجب ضمان اخروی و دنیوی تولیدکننده یا عرضه‌کننده می‌گردد. تقلب در کالای خوراکی به دو قسم تقلب در مرحله تولید با عنوان «غش در معامله» و تقلب در مرحله عرضه با عنوان «تدلیس در معاملات» تقسیم می‌شود.

۳. دخل و تصرف غیرمجاز در فرایند تولید کالای خوراکی را می‌توان مصداقی از غش در معامله دانست که با توجه به مرجعیت استانداردهای تولیدی برای مصرف‌کنندگان، تغییرات غیرمجاز در تولید را می‌توان مصداقی از عیب در کالا و موجب ثبوت خیار عیب برشمرد که حق امضا یا فسخ معامله برای مشتری ثابت می‌شود و به نظر امامیه، مشتری حق اخذ ارش برای امضای معامله را نیز دارد. دخل و تصرف غیرمجاز در مرحله عرضه نیز مصداق تدلیس در معامله است و حسب مورد خیار تدلیس یا خیار تخلف از وصف ثابت می‌شود.

۴. با توجه به آسیبهای تقلب برای سلامت مصرف‌کنندگان، اگر تقلب در کالای خوراکی موجب آسیب در کالا تا آن حدی شود که مصرف آن نوعاً آسیب‌رسان باشد و مصرف آن موجب مرگ یا آسیب بر اعضای مصرف‌کننده گردد، در صورتی که عمد یا تقصیر عرضه‌کننده ثابت شود، از باب سببی مقدم در تأثیر است، قصاص بر او ثابت می‌شود و تولیدکننده نیز در صورت احراز عنصر روانی، معاون در قتل دانسته می‌شود. اگر عرضه‌کننده، جاهل به کشنده بودن بوده باشد، ولی عنصر روانی عمد یا تقصیر در تولیدکننده احراز گردد، قصاص بر تولیدکننده ثابت خواهد بود. در صورتی که تعمد در ایراد جنایت و علم در هردو ثابت باشد، می‌توان حکم به شرکت در جنایت کرد. البته اثبات عنصر روانی جنایت عمد دشوار است.

۵. اگر کالای تقلبی نوعاً آسیب‌رسان نبوده باشد، یا عنصر روانی عمد در مرتکب احراز نشود، حسب مورد، موجب ثبوت دیه یا ارش و حکومت بر مسبب می‌گردد. همچنین براساس مبانی فقه جزای مقارن، حکومت اسلامی حق تعیین تعزیر مناسب را برای تولیدکننده و عرضه‌کننده کالای خوراکی تقلبی دارد، همچنان که قانون مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی ۱۳۴۶/۵/۲۲ ش و اصلاحیه آن در ۱۳۵۳/۱۲/۱۸ ش، به تعیین جریمه نقدی، حبس تعزیراتی و محرومیت از اشتغال به کسب، برای مرتکبان به‌عنوان مجازات تعزیری حکم نموده است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- آمدی، عبدالواحد، *غرر الحکم و درر الکلم*، بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۳ق.
- ابن‌ادریس حلی، *السرائر*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، *السیاسة الشرعية*، قاهره، الشعب، ۱۹۷۶م.
- همو، *الفتاوی الکبری*، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

- ابن عابدین، محمدامین بن عمر، *رد المحتار علی الدر المختار*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن فرحون، ابراهیم، *تبصرة الاحکام*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۰۱ق.
- ابن قدامه، ابومحمد عبدالله بن احمد، *المعنی*، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- ابن نجیم مصری، زین الدین، *البحر الرائق شرح کنز الدقائق*، بیروت، دارالمعرفه، چاپ دوم، بی تا.
- ابو عامر، عبدالعزیز، *التعزیر فی الشریعة الاسلامیة*، بیروت، دارالفکر العربی، ۱۹۶۹م.
- ادیس، منصور، *الروض المرعب زاد المستنقع*، بیروت، دارالارقم، بی تا.
- ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، قاهره، چاپ احمد عبدالعلیم بردونی، بی تا.
- امیر صادقی، نصرالدین، *ترجمه طب الرضاع*، تهران، معراجی، چاپ ششم، ۱۳۸۱ش.
- انصاری، مرتضی، *المکاسب*، قم، دارالحکمه، بی تا.
- انصاری، ابوزکریا، *اسنی المطالب شرح روض المطالب*، قاهره، دارالکتب الاسلامی، بی تا.
- انصاری، قدرت الله و دیگران، *تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
- بحرانی، یوسف، *الحدائق الناضرة*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ش.
- بهوتی، منصور بن یونس، *کشاف التناع عن متن الاقناع*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۲ق.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، *شعب الایمان*، تحقیق: عبدالعلی عبدالحمید حامد، ریاض، مکتبه الرشد، ۲۰۱۱م.
- بیابانی، غلامحسین؛ و نظری، غلامحسین، «بررسی ابعاد قاچاق کالا و روشهای مبارزه با آن»، *مجله بررسیهای حقوقی*، شماره ۳، ۱۳۹۱ش.
- پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش.
- تبریزی، جواد بن علی، *تنقیح مبانی الاحکام*، قم، دارالصدیقه الشهیده(س)، چاپ دوم، ۱۴۲۶ق.
- ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن الترمذی*، تحقیق: احمد محمد شاکر و دیگران، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- جزیری، عبدالرحمن، *الفقه علی المذاهب الاربعه*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۱ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- حسینی مراغه‌ای، سید میرفتاح، *العناوین الفقهیه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
- خطاب، ابوعبدالله محمد بن عبدالرحمن، *مواهب الجلیل*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ق.
- حلبی، ابوالصلاح، *الکافی فی الفقه*، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین(ع)، ۱۳۶۲ش.
- حلبی، حسن بن یوسف، *تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة*، قم، مؤسسه امام صادق(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.

- همو، *تذکرة الفقهاء*، تهران، المكتبة المرتضوية، بی تا.
- همو، *قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
- حمیش، عبدالحق، *حماية المستهلك من منظور اسلامي*، مدينة العين امارات، مكتبة الجامعة، ۲۰۰۴م.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، *تفسیر نورالتقلین*، قم، مطبعة الحكمة، بی تا.
- خطیب شریینی، محمد بن احمد، *معنی المحتاج*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- خمینی، روح الله، *تحریر الوسيلة*، قم، دارالعلم، چاپ دوم، بی تا.
- خن، مصطفی؛ و بغا، مصطفی، *الفقه المنهجي فی الفقه الشافعي*، دمشق، دارالعلوم الانسانیه، ۱۴۱۷ق.
- خوانساری، سید احمد، *جامع المدارک*، قم، اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
- دردری، ابوالبرکات احمد بن محمد، *الشرح الكبير*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- دمیاطی ابوبکر بن محمد، *حاشیه إعانه الطالبین*، مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، چاپ دوم، ۱۹۳۸م.
- رافعی، مصطفی، *احکام الجرائم فی الاسلام*، بیروت، دارالافریقیه العربیه، ۱۹۹۶م.
- روحانی، محمدصادق، *منهاج الفقاهه*، قم، مطبعة العلمیه، ۱۳۷۶ش.
- زحیلی، وهبه، *الفقه الاسلامی فی اسلوبه الجدید*، دمشق، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۹۸۹م.
- سجادی، نوشین، «ایمنی و کیفیت مواد غذایی در بسته بندیهای پلاستیکی، رهیافتی ساختاری» (ترجمه)، *مجله علوم و تکنولوژی پلیمر*، دوره ۷، شماره ۲، تیر و مرداد ۱۳۷۳ش.
- سرخسی، محمد بن احمد، *المبسوط*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۹۸۹م.
- سمرقندی، علاءالدین، *تحفة الفقهاء*، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۹۴۸م.
- سیوطی، جلال الدین، *اللمع فی اسباب ورود الحديث*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
- شافعی صغیر، محمد، *نهاية المحتاج الى شرح المنهاج*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- شریف رضی، *نهج البلاغه*، ترجمه و شرح سید علینقی فیض الاسلام، تهران، سپهر، ۱۳۲۵ش.
- شهید اول، محمد بن مکی، *الدروس الشرعية فی فقه الامامیه*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم، داوری، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- همو، *مسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام*، قم، دارالهدی، بی تا.
- شیرازی، ابراهیم بن محمد، *المهذب*، بیروت، دارالتراث، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *التعزیر انواعه و ملحقاته*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۳ش.
- صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد(ص)*، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- صفای، حسین، *قواعد عمومی قراردادها*، تهران، میزان، ۱۳۸۶ش.

- طباطبایی، سید علی، *ریاض المسائل*، بیروت، دارالهادی، ۱۹۹۲م.
- طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، *المعجم الأوسط*، قاهره، دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *الخلاص*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۸ق.
- همو، *المبسوط*، قم، مکتبه المرتضویه، ۱۳۵۱ش.
- همو، *تهذیب الاحکام*، تصحیح: حسن موسوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- عبدری، ابو عبدالله محمد بن یوسف، *التاج و الإکلیل*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ق.
- عوده، عبدالقادر، *التشريع الجنائي*، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
- فاضل لنکرانی، محمد، *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله*، قم، علمیه، ۱۴۰۶ق.
- فخرالمحققین، محمد بن یوسف حلی، *ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد*، قم، مطبعة العلمیه، ۱۳۸۷ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
- فیومی، احمد بن محمد، *مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم، دارالهجره، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- قرافی، ابن ادریس، *الفروق*، بیروت، عالم الكتاب، بی تا.
- قلعه جی، محمد رؤس، *موسوعة فقه ابن مسعود*، بیروت، دارالنفائس، ۱۴۱۲ق.
- کاسانی، علاءالدین، *بدائع الصنائع*، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ دوم، ۱۹۸۲م.
- کاشانی مدنی، رضا، *کتاب التفاضل للفقهاء و الخواص*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- کریمزاده، سیماء؛ و دیگران، «بررسی آلودگی باکتریایی یخهای تولیدی و وضعیت بهداشتی کارخانجات یخ سازی شهرستان ارومیه در سال ۱۳۹۰»، *مجموعه مقالات نهمین کنگره سراسری تغذیه ایران*، تبریز، ۱۳۹۲ش.
- کریمی جهرمی، علی، *الدر المنضود فی احکام الحدود*، تقریرات درس آیت الله گلپایگانی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۲ق.
- کریمی، گیتی؛ و دیگران، «بررسی آلودگی بستنیهای سنتی ایران به باکتریهای مهم عامل عفونتها و مسمومیتهای غذایی»، *مجله دامپزشکی*، دانشگاه تهران، دوره ۵۰، شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۴ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
- گلپایگانی، محمدرضا، *هدایة العباد*، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳ق.
- مامقانی، عبدالله، *مناهج المتقین فی فقه ائمة الحق و الیقین*، قم، مؤسسه آل البيت، بی تا.
- ماوردی، علی بن محمد، *الاحکام السلطانیة*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۳ش.
- مجلسی، محمدتقی، *روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.

- محقق حلی، ابوالقاسم جعفر بن حسن، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم، استقلال، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
- محقق کرکی، علی بن حسین، *جامع المقاصد*، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ق.
- مختاریان دلوثی، حسین؛ و دیگران، «بررسی میزان آلودگی باکتریایی بستنیهای سنتی شهرستان مشهد»، *مجله افق دانش*، دانشکده علوم پزشکی گناباد، دوره ۱۰، شماره ۱، ۱۳۸۳ش.
- مرغینانی، علی بن ابی‌بکر، *الهدایة شرح بدایة المبتدی*، مصر، مکتبه مصطفی البابی، بی‌تا.
- *موسوعة الفقه الاسلامی*، قاهره، المجلس الاعلی، ۱۳۹۰ق.
- موصلی، عبدالله بن محمود، *الاختیار لتعلیل المختار*، مصر، مکتبه محمدعلی صبیح و اولاده، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ق.
- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام*، تصحیح: عباس قوچانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی، *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت، بی‌تا.
- نفرای، احمد بن غنیم، *الفواکه الدوانی*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ق.
- نیک‌نیاز؛ و دیگران، «بررسی میزان آلودگی پنی‌های محلی تبریز به باکتری استافیلوکوکوس اورئوس»، *مجموعه مقالات نهمین کنگره سراسری تغذیه ایران*، تبریز، ۱۳۹۲ش.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، *بایسته‌های فقه جزا*، تهران، میزان، ۱۳۷۸ش.
- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، قم، فرهنگ اهل‌بیت، بی‌تا.
- Collin. P.H, *Dictionary of law*, New York, Bloomsbury Pub, 4th edition, 2004.
- Collins Sons, William, *Collins English Dictionary*, Britain, Harper Collins, 10th Edition, 2009.
- Eugene, H. Buck, *Seafood Marketing: Combating fraud and deception*, USA, Congressional Research Service, July 2, 2010.
- Lehman, Jeffrey; & Phelps, Shirelle, *West's encyclopedia of American law*, Gale pub, second edition, 2008
- Little, CL; & Louvois, JD, *Health risks associated with unpasteurized goat's and ewe's milk in England and wales*, *Epidemiol Infect*, 1999.
- Maxwell, Simon; & Smith, Marisol, *household food security a conceptual review*, Institute of Development Studies, 1993.
- Neal, D. Fortin, "the Food Allergen Labeling and Consumer Protection Act: The Requirements Enacted", Challenges Presented, and Strategies Fathomed, *Journal of Medicine and Law*, Vol.10, Spring 2006.
- Pulleyn, William, *The etymological compendium*, W. Tegg, 1840.
- Spink, John, *National Coalition for Food and Agriculture Research*, Michigan State University, May 9, 2011.
- Spink, John; & Douglas, C. Moyer, *Defining the public health threat of food fraud*, Minneapolis, Minn, National Center for Food Protection and Defense, 2011.

- Tetty Havinga, Private food law, “On the borderline between state law and religious law”, edited by Bernd M.J. van der Meulen, The Netherlands, Wageningen Academic pub, first ed, 2011.